

سفرنامه گوهر مقصود

علیرضا ذکاوتی قراگزلو*

خاطرات سیاسی و اجتماعی دوره استبداد صغیر /

تألیف آقا سید مصطفی تهرانی (میرخانی)؛ کوشش زهرا میرخانی

تهران: میراث مکتوب، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۱.

سفرنامه گوهر مقصود

سفرنامه نویسی و خاطره نویسی از انواع ادبی است که گرچه سابقه دیرینه دارد، اما در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری مورد توجه خاص قرار گرفت و نویسندگان، تأملات و انتقادات خود را در آن قالب عرضه کردند، از زین العابدین شیروانی صاحب سه سفرنامه بستان السیاحه و ریاض السیاحه و حدایق السیاحه که بگذریم، حاجی پیرزاده نایینی و احمد بهبانی و معصومعلیشاه نایب الصّدر شیرازی و حاجی سیاح، آقا نجفی قوچانی و میرزا صالح شیرازی... از جمله معروف ترین سفرنامه نویسان هستند. حتی زین العابدین مراغه‌ای در سفرنامه ابراهیم بیگ همین نوع ادبی را در پیش نهاده و قالب رمان اجتماعی خود قرار داده است که البته سفرنامه ابراهیم بیگ تخیلی است و واقعی نیست اما مواد و مصالح آن از واقعیات برگرفته شده است.

سید مصطفی تهرانی میرخانی (۱۳۵۰ - ۱۲۵۷ ه. ق.) از جمله رجال سیاسی صدر

* پژوهشگر و منتقد متون ادبی و تاریخی.

مشروطه است که شرح مجموعه‌ای از خاطرات و سفرنامه خود را بهانه و وسیله قرار داده تا انتقادات و برداشتهای خود را از اوضاع اجتماعی بیان دارد و با آنکه با سبک نویسندگی جدید آشنا نبوده ولی نظر به تماس مستقیم با مسائل سیاسی و اجتماعی نمونه خوبی از واقع نگاری به دست داده است و مخصوصاً آن قسمت از سفرنامه و خاطراتش که خود نمی‌خواسته خوانده شود، خواندنی است. نثرش ادبی و رسمی نیست اما در بیان مقاصد ناگفته نویسنده بسیار گویاست. مادر این سفرنامه می‌خوانیم که سر باز گرسنه، آخر شب زوار مشهد را به عنوان دزد می‌گرفت و تیغ می‌زد. سرکشیک باشی پول گرفت و زن و مرد مستی را ساعت ۶ شب [یعنی شش ساعت از شب گذشته] به حرم راه داد که زیارت کنند (۱۶۲).

در این کتاب، فقر و فلاکت، فساد و ریاکاری، ساده‌دلی و دلال پیشگی واسطه‌گری و رشوه و بیخیالی و غمخواری در کنار هم و با هم توصیف می‌شود. نویسنده که خود متدین و اهل علم است از خرافه‌پردازی و خرافه‌پذیری مردم سخت دلگیر است و مفصلاً تمهیداتی را برای دوشیدن زوار به کار می‌گرفته‌اند مثلاً یک سینی نشان می‌دهد که امام رضا علیه السلام را با انگور میان آن سینی مسموم کردند نویسنده می‌پرسد: آیا در دستگاه هارون و مأمون سینی از این بهتر پیدا نمی‌شد؟ (۱۹۳) و همچنین موارد دیگر که برای نشان دادن هر یک به زائران، آنها را تیغ می‌زده‌اند. بعضی از کسبه متقلب‌اند و توجیهاتی برای خود می‌تراشند مثلاً فیروزه فروشی تقلب کار می‌گوید: تجار انتیقه (= آنتیک، عتیقه) غبن ندارد (۱۷۹) مأموران دولت هم که باید احقاق حق مظلومین را بنمایند، خودشان گوش مردم را می‌برند: زائر مال باخته، الاغش را فروخت که بتواند بر گردد، مأموران برای ابلاغ پرونده دزدی درست کردند و پول الاغ را هم از چنگش در آوردند (۱۸۹).

سفره‌خانه که در اصل برای استفاده فقرا درست شده، وسیله سوء استفاده واقع گردیده است (۱۹۳) به قول کفاش خراسانی به فکر گنبد خود باش یا امام رضا (ع). زیباترین و شیواترین صفحات کتاب که نویسنده خودش آنها را «مزخرفات» نامیده است (۱۳۹) ماجرای صیغه کردن نویسنده است که کاملاً خصوصیات یک داستان جدید را از طرح و توطئه و توصیف جزئیات شامل می‌شود و خواننده به جای آنکه بخندد بر قهرمانان داستان دل می‌سوزاند. نویسنده در این ماجرا که سروتهش بیست و چهار ساعت از بدبختی به سیه روزی پناه می‌برد و در سرما و بیخانمانی و آوارگی با

شپش و کیک کشتی می‌گیرد لحن طنزآمیز آقا نجفی قوچانی در سیاحت شرق اینجا هم احساس می‌شود: «ای مولای من مرا کسالت خواب بیتاب کرد اگر جند الله [کنایه از حشرات موزی] را امشب می‌خواهی مصاحب من فرمایی از این آستانه بیرون نخواهم رفت طریق میهمان نوازی این قسم نشاید و مراعات حال غریبان بهتر از این باید» (۱۲۸)

در سالهای اخیر سفرنامه‌ها و خاطرات منتشر نشده بسیاری چاپ شده است، و خوب است هر چه از این قبیل کتابها یافت می‌شود به زیور طبع آراسته گردد تا مواد و مصالح تدوین تاریخی اجتماعی ایران آنگونه که باید و شاید فراهم شود.

